

سنجش دیدگاه دکتر سروش درباره تکنولوژی

علی چاپرک *

چکیده

هدف این نوشتار بررسی و سنجش دیدگاه دکتر سروش درباره مسئله تکنولوژی در مقاله *صناعت و قناعت* ایشان و بررسی امکان یا امتناع تکنولوژی دینی در نگاه وی است. در ابتدا به بررسی اجمالی مقاله خواهیم پرداخت و در گام بعد تلاش می‌شود استدلال اصلی نوشته مشخص و مورد ارزیابی و نقد قرار گیرد. سپس براساس بررسی‌های انجام شده و با توجه به نظریات حوزه فلسفه و جامعه‌شناسی تکنولوژی می‌کوشیم چارچوبی جدید برای مسئله تکنولوژی به دست دهیم. و نهایتاً به دنبال فهم این موضوع خواهیم بود که آیا در چارچوب جدید ارائه شده برای تکنولوژی امکان تکنولوژی دینی وجود دارد یا نه.

واژگان کلیدی: تکنولوژی، خودمختاری، ابزارگرایی، پیوستگی، ذات‌گرایی، قناعت

۱- مقدمه

قبل از بررسی رویکرد دکتر سروش درباره تکنولوژی ذکر نکاتی چند درباره صورتبندی مسئله تکنولوژی از نگاه وی و شرط وی برای پاسخ ممکن و مطلوب به مسئله تکنولوژی لازم و مفید به نظر می‌رسد.

تکنولوژی در طول سالیان دراز وجود داشته است، اما هرگز به عنوان یک مشکل و مسئله مطرح نبوده است. حتی در دورانی که تمدن اسلامی خود طلایه‌دار علم و تکنولوژی بود، تکنولوژی به مثابه یک مسئله مطرح نبود. مشخص است تا زمانی که مسئله و نسبت ما با آن درست و دقیق صورتبندی نشود، پاسخ به آن نیز دشوار خواهد بود. پس لازم است پیش از هر چیز پذیرفت که تکنولوژی حاضر (مدرن) برای ما، که در موقعیت تاریخی - اجتماعی خاصی قرار داریم مسئله است. قصد ما در اینجا بررسی چرایی مسئله بودن تکنولوژی مدرن برای ما نیست، بلکه می‌خواهیم توجه را به این نکته جلب نماییم که بدست دادن هر پاسخی نیازمند صورتبندی دقیق مسئله است. از دیدگاه سروش نظریه و پاسخ مطلوب به مسئله تکنولوژی، نظریه‌ای است که براساس آن بتوان عملی انجام داد. وی بعد از طرح مساله تکنولوژی، توانایی انجام عمل بر اساس پاسخ را شرط پاسخ ممکن و مناسب می‌داند. با این شرط ایشان دوگونه پاسخ برای مسئله تکنولوژی را مشخص می‌کند: پاسخ‌های طفره‌فروشانه و پاسخ‌های چاره‌جویانه (سروش، ۱۳۸۸، ص ۲۸۲ و ۲۸۶)

سروش تکنولوژی را برخوردار از چهار ویژگی زیر می‌داند:

۱. تکنولوژی خودمختار است؛
 ۲. تکنولوژی دارای عیوب ذاتی است؛
 ۳. تکنولوژی مدرن و سنتی پیوسته‌اند؛
 ۴. کمال انسان با کمال تکنولوژی متفاوت است.
- در نهایت وی براساس این خصوصیات تکنولوژی نتیجه می‌گیرد راه‌حل مسئله تکنولوژی در قناعت و رویکرد اکل میته به آن است. (سروش، ۱۳۸۸، ص ۳۱۲)

۲- سنجش ماهیت تکنولوژی از دیدگاه سروش

۲-۱- خودمختاری

سروش در پاسخ به مسئله اصلی تکنولوژی (ماهیت تکنولوژی و نحوه مواجهه ما با آن) با اشاره به آراء ژاک الول، نظریات وی را به عنوان پاسخی برای مسئله ماهیت تکنولوژی ارائه می‌کند.^۱

وی از قول ژاک الول پنج ویژگی را برای تکنولوژی مدرن برمی‌شمارد:

۱. اتوماتیک بودن تکنیک، یعنی سلب‌گزینش از دیگران و بسته ماندن همه راه‌ها جز راهی که صنعت در پیش می‌نهد.
 ۲. تغذیه از خویش، یعنی تکنیک به جایی رسیده است که اولاً برگشت‌ناپذیر است، ثانیاً رشدی هندسی دارد و ثالثاً اجازه نمی‌دهد کسی آن را متوقف کند؛ بلکه با پیش رفتن خود، انسان را نیز به دنبال می‌کشد.
 ۳. همه‌گیری تکنیک، بدین معنا که تکنیک به محض تولد، دیگر نمی‌تواند در وطنش محبوس بماند و لزوماً قلمروهای فراخ‌تر طلب می‌کند و همه جهان را بر صورت خویش می‌سازد.
 ۴. خودمختاری تکنیک، بدین معنا که رشد تکنیک خودمختارانه و بی‌اعتنا به سایر شرایط و عوامل است و دینامیسمی درونی دارد که آن را به جلو می‌راند.
 ۵. وحدت و کلیت تکنیک، بدین معنا که تکنیک، با مصرف آن، با روابط مربوط به آن و با جهان مخلوق آن، یکی‌ست و نمی‌توان یکی را بدون دیگری داشت و هر قطعه صنعت، قطعه دیگر آن را تداعی می‌کند (سروش، ۱۳۸۸، ص ۲۹۱ و ۲۹۲).
- همان‌گونه که مشاهده می‌شود سروش در این دیدگاه از خودمختاری و جبرگرایی تکنولوژی دفاع می‌کند. مراد از خودمختار بودن تکنولوژی این است که: اولاً، ارزش‌ها، اهداف و مسیر خودش را دارد، یعنی خودش تعیین‌کننده ارزش‌ها، اهداف و مسیر خویش است؛ ثانیاً، خواست‌ها و اهداف انسان‌ها نمی‌تواند بر روی تکنولوژی تأثیر داشته باشد؛ و ثالثاً این تکنولوژی است که ارزش‌های خویش را بر ما تحمیل می‌کند.
- به نظر می‌رسد نقدهای زیر بر دیدگاه خودمختاری تکنولوژی وارد است:

۱. برای آشنایی بهتر با نظریات الویل می‌توان به منبع زیر مراجعه کرد؛

پایان‌نامه: آیا تکنولوژی دارای یک منطق خودمختار تکنون و تحول است، علیرضا شاه میرزایی، دانشگاه صنعتی شریف.

۱- دیدگاه خودمختاری تکنولوژی در تضاد با شهود عام در مورد تکنولوژی است؛ چرا که در شهود عام، تکنولوژی یک ابزار است. البته منظور این نیست که هر چه شهودی باشد لزوماً درست است، بلکه منظور این است که هر دیدگاهی در هر حوزه‌ای باید بتواند شهود عام (حتی غلط بودن آن) را تبیین کند، ولی سروش چنین تبیینی ارائه نمی‌کند.

۲- دیدگاه خودمختاری تکنولوژی نمی‌تواند تاریخ تکنولوژی و تفاوت‌های آن را تبیین کند. به عنوان مثال، دیدگاه خودمختاری نمی‌تواند تبیین کند که چرا تکنولوژی جدید در غرب ایجاد شد نه در شرق.

۳- دیدگاه خودمختاری تکنولوژی نمی‌تواند تفاوت تکنولوژی مدرن با تکنولوژی سنتی را تبیین کند. سروش خود نیز قائل است که تکنولوژی سنتی فاقد خصوصیات تکنولوژی مدرن است، یعنی فزون‌طلب، رقابت‌افزا، سرعت‌گرا و مخرب زندگی آدمی نبوده است.

۴- خودمختاری تکنولوژی، دیدگاهی جبرگرایانه در مورد تکنولوژی است و از این رو با دیدگاه سروش مبنی بر اینکه پاسخ مناسب به مسئله تکنولوژی باید نتیجه عملی در پی داشته باشد سازگار نیست؛ چرا که اگر تکنولوژی خودمختار باشد، نمی‌توان در مقابل آن کاری انجام داد.

۲-۲- پیوستگی تکنولوژی مدرن و سنتی

ایده دیگری که سروش در مورد تکنولوژی مطرح می‌کند، ایده پیوستگی تکنولوژی است. به این معنا که تکنولوژی مدرن، ادامه طبیعی تکنولوژی سنتی است و تفاوت ماهوی با آن ندارد:

«همان ابزارهای ساده ناموزون کهن، جوانه‌های نخستین تکنیک مهیب کنونی بوده‌اند که اینک به طور کامل به گُل نشسته است و آنچه آن روزها نهان و مجمل بود، اینک بسط و تفصیل یافته است» (سروش، ۱۳۸۸، ص ۲۹۲). «این دو (تکنولوژی سنتی و مدرن) دو سر یک طیف‌اند و از آن مهم‌تر، از شئون انسان‌اند، و رشد تدریجی و طبیعی اولی به دومی انجامیده است» (همان، ص ۲۹۶)

استدلال سروش برای ایده پیوستگی تکنولوژی چنین است:
تکنولوژی زاییده فطرت و نیازهای فطری آدمیان است و از آنجایی که نیازها و

فطریات آدمیان در طول تاریخ یکسان است، پس تکنولوژی سنتی تفاوت ماهوی با تکنولوژی مدرن ندارد: «آدمی از همان ابتدا، آن هم به مقتضای آدمیت، کنجکاو، ابزارساز و مکنده طبیعت بوده است و عقلی که خداوند در او نهاده بود او را بدین راه (خلق و توسعه تکنولوژی) برده است» (سروش، ۱۳۸۸، ص ۲۵۹)

بر این دیدگاه نیز ایراداتی مشابه ایرادات وارد بر ایده خودمختاری تکنولوژی وارد است:

۱- از آنجا که تکنولوژی زاینده فطرت مشترک آدمیان است و فطرت همه آدمیان در همه تاریخ و در همه مکان‌ها یکسان است، پس تکنولوژی باید در همه جا نمود یکسانی داشته باشد، اما مشاهده می‌کنیم که این چنین نیست. برای حل این مشکل می‌توان گفت علاوه بر فطرت آدمیان، عوامل دیگری در ایجاد و گسترش تکنولوژی مؤثر هستند، اما این راه حل نیز با خودمختاری تکنولوژی سازگار نیست.

۲- ایده پیوستگی تکنولوژی نمی‌تواند تفاوت تکنولوژی جدید و قدیم را تبیین کند. اگر تکنولوژی پیوسته است چگونه تکنولوژی مدرن ماهیتی متفاوت از تکنولوژی سنتی دارد و خصوصیات متفاوتی را از خود بروز می‌دهد. سروش خود به سه مورد از تفاوت‌های تکنولوژی مدرن و سنتی اشاره کرده است:

الف: تکنیک اینک مخدوم انسان است در حالی که تا قبل از عهد مدرن، خادم آدمی بودند. (سروش، ۱۳۸۸، ص ۳۹۲)؛

ب: تکنولوژی مدرن انس‌زدا و از خود بیگانه‌ساز است؛ در حالی که تکنولوژی سنتی اینگونه نبود. انسی که صنعت‌گران پیشین با جهازات خود داشتند و آن را به منزله مظهری از اندیشه خویش می‌انگاشتند، امروزه به سبب عظمت تکنیک، به طور کامل معکوس شده است و آدمی خود را جزء و عضو ماشین‌های عظیمی می‌یابد که با بزرگی خود در او تلقین حقارت و بردگی می‌کنند و حتی بر او فخر می‌فرروشند که از او کارا تر هستند. (همان، ص ۳۰۰)؛

ج: تکنولوژی جدید، کلی یکپارچه را تشکیل می‌دهد که همه اعضاء آن ارتباطی ارگانیک با هم دارند؛ در حالی که تکنولوژی سنتی این‌گونه نبود. آنچه در حیات غیرصنعتی انسان‌های پیشین دیده نمی‌شود همین ارتباط وثیق ارگانیک فرآورده‌های تکنولوژیک است (همان، ص ۳۰۵).

۳. از آنجا که تکنولوژی زاییده فطرت آدمی است و فطرت آدمی ثابت است، پس در مقابل تکنولوژی کاری نمی‌توان کرد و این در تضاد با اصل روش‌شناختی سروش برای سنجش پاسخ صحیح به تکنولوژی است؛ چرا که نمی‌توان براساس این نظریه عملی انجام داد.

۲-۳- عیوب تکنولوژی

سروش با فرض مشکل داشتن تکنولوژی امروزی، دو نظریه (عیوب فاعلی و عیوب ماهوی) را برای تبیین این عیوب مطرح می‌کند و پس از نقد نظریه عیوب فاعلی که همان نظریه ابزارانگاری تکنولوژی است، از نظریه عیوب ماهوی که همان دیدگاه خودمختاری تکنولوژی است دفاع می‌کند.

۲-۳-۱- نظریه عیوب فاعلی

در دیدگاه عیوب فاعلی (رویکرد ابزارانگاری به تکنولوژی)، تکنولوژی یک ابزار صرف است که فی‌نفسه نه خوب است و نه بد و اگر تکنولوژی بد به نظر می‌رسد، به این دلیل است که انسان‌ها آن را بد به کار می‌برند یا آن را بد می‌سازند. به طور خلاصه انسان مسئول عیوب تکنولوژی است. عیوب فاعلی تکنیک، آنهایی هستند که اسنادشان به تکنیک، تابع اسناد آنها به فاعل تکنیک است. به عبارت دیگر، چون آن عیوب در صنعت‌گران موجود است، به مصنوع‌شان هم سرایت کرده و آن را هم معیوب نموده است. (سروش، ۱۳۸۸، ص ۲۹۳)

سروش سه نقد بر این دیدگاه وارد می‌کند:

۱- دیدگاه عیوب فاعلی به لحاظ روش‌شناختی عقیم است؛ چرا که براساس آن نمی‌توان عملی انجام داد. البته مدافعان ابزارگرایی می‌توانند توصیه‌هایی برای عمل داشته باشند. برای مثال این که باید تلاش کرد انسان‌های بهتری داشت، چون با بهتر شدن انسان‌ها تکنولوژی نیز بهتر خواهد شد.

۲- دیدگاه عیوب فاعلی میان انگیزه و انگیزه‌تمایز نمی‌گذارد، در حالی که به لحاظ منطقی و اخلاقی این دو از هم مستقل هستند:

«علت و معلول، انگیزه و انگیزه، منطقی و اخلاقاً از یکدیگر متمایزند و حکمی که از نظر صدق و کذب (منطق) یا حسن و قبح (اخلاق) بر انگیزه می‌رود، لزوماً در حق انگیزه جاری نیست. از این رو، شناخت نیکی یا راستی یکی، دلیل نیکی و

راستی دیگری نیست. از این رو، اگر حرص و استعلاء آدمیان انگیزه ظهور تکنیک باشد، باز هم نمی‌توان تکنیک را بدین دلیل مذموم و قبیح دانست. اگر تکنیک بد است، دلیلش این نیست که تکنولوژیست‌ها بد و فاسدند^۱. (همان، ص ۲۹۳ و ۲۹۴)

۳- قائلان نظریه عیوب فاعلی مشابهت نیازها، بینش‌ها و فطریات آدمیان را فراموش کرده‌اند و تکنیک را محصول جنبه غیرانسانی پاره‌ای از آدمی‌خواران می‌دانند. این در حالی است که آدمی از همان ابتدا، آن هم به مقتضای آدمیت، کنجکاو و ابزارساز و مکنده طبیعت بوده است. عقلی که خداوند در او نهاده بود او را بدین راه برده است. پس آنچه در تاریخ آدمیان رخ داده، انحراف از مسیر نبوده است، بلکه عین مسیری بوده است که انسان عاقل در طبیعتی مسخر، لامحاله طی می‌کند. پس چرا باید ظهور تکنیک را انحرافی در بشریت دانست و چرا باید فتوا به مسخ آدمیان و به قبح مصنوعات آنان داد؟ (سروش، ۱۳۸۸، ص ۲۹۵)

پیش از این، در قسمت پیوستگی تکنولوژی، درباره نتیجه فطرتِ آدمی بودنِ تکنولوژی و نقدهای وارد بر آن بحث شد. پرسش مهم در این بحث آن است که فطری بودن برخی ویژگی‌ها در انسان به چه معناست؟ در کاربرد عمومی، منظور از فطری بودن خصوصیتی، ذاتی بودن آن برای انسان است و آنچه ذاتی است عوض شدنی نیست. حال: اگر خصوصیات فطری انسان در دوره‌های مختلف تغییرپذیر هستند، این سؤال مطرح می‌شود که این خصوصیات فطری چه تفاوتی با سایر خصوصیات آدمی که تحت شرایط مختلف تغییر می‌کنند دارند؟ چه اصراری در فطری نامیدن آنها وجود دارد؟ و چرا آنها را نیز همچون دیگر خصوصیات آدمی، خصوصیات تاریخی ندانیم؟

۱. درباره وابستگی تکنولوژی به عوامل ساختاری و فرهنگی به منابع زیر می‌توان رجوع کرد:

- ۱- تکنولوژی و فرهنگ، آرنولد پیسی، ترجمه بهرام شالگونی، نشر مرکز، ۱۳۷۴
- ۲- نوشته‌های علی پایا از جمله؛
- ۳- الف. علی پایا، ملاحظاتی نقادانه در باره دو مفهوم علم دینی و علم بومی، حکمت و فلسفه، سال سوم شماره های دوم و سوم (شماره مسلسل ۱۰ و ۱۱)، بهمن ۱۳۸۶؛
- ۴- ب. علی پایا، آینده علوم انسانی در ایران، حوزه و دانشگاه، سال دوازدهم، شماره مسلسل ۴۹، زمستان ۱۳۸۵؛
- ۵- ج. علی پایا، دموکراسی اسلامی: امکان یا امتناع؟، آئین، سال اول، شماره دوم، ۱۳۸۴؛
- ۶- د. علی پایا، آیا الگوی توسعه ایرانی- اسلامی دست‌یافتنی است؟
- ۷- پایان‌نامه؛ آیا تکنولوژی به لحاظ ارزشی بی‌طرف است؟، الهه همایون والا، دانشگاه صنعتی شریف.

قصد سروش از نقد دیدگاه ابزارگرایی دفاع از دیدگاه خودمختاری یا جبرگرایی است. به عبارت دیگر، استدلال پنهان ایشان چنین است: از آنجایی که تکنولوژی ابزار نیست، پس خودمختار است. به نظر می‌رسد افزون بر ملاحظاتی که بر نقدهای ایشان بر رویکرد ابزارگرایی به تکنولوژی وجود دارد و با فرض این که نقدهای ایشان علیه ابزارگرایی درست باشد، از این امر نمی‌توان نتیجه گرفت که تکنولوژی خودمختار است. برای گرفتن چنین نتیجه‌ای به مقدمه دیگری نیز نیاز است و آن مقدمه این است که: *تکنولوژی یا ابزار است یا خود مختار و حالت سومی وجود ندارد*. این در حالی است که خود این مقدمه قابل نقد است. به عبارت دیگر تکنولوژی می‌تواند ابزار نباشد و خود مختار هم نباشد. خودمختاری و ابزاری بودن دو امر متناقض نیستند، بلکه دو امر متضادند و از این رو ارتفاع آنها ممکن است. به بیان دیگر ممکن است ویژگی دیگری غیر از خودمختاری و ابزاری بودن را بتوان به تکنولوژی نسبت داد.

۲-۳-۲- نظریه عیوب ماهوی

دکتر سروش بعد از نقد دیدگاه عیوب فاعلی به معرفی دیدگاه عیوب ماهوی تکنولوژی می‌پردازد و در مقام دفاع از آن بر می‌آید. در دیدگاه عیوب ماهوی، تکنولوژی موجودی خودمختار است که بد بودن آن هم جزئی از ماهیت آن است و ربطی به فاعل‌های انسانی ندارد:

«در این جا به خود ماشین و روابط آن نظر می‌شود و حسن و قبح آن، مستقل از خالقان آن مورد مذاقه قرار می‌گیرد. آدمیان حتی اگر در صفای سریرت و صدق نیت، از فرشتگان هم سبق ببرند، باز نمی‌توان مصنوعات آنان را، به دلیل نیکی فاعلان، تهی از نقص و شر دانست... سرعت‌گرایی، رقابت‌افزایی، قناعت‌کشی، تقدس‌زدایی، غفلت‌آفرینی، محیط‌آلایی، زیادت‌طلبی، بیدارکردن هوس الوهیت، آتش طمع افروختن، آدمی را از خود بیگانه کردن، به شهوات خفته دامن زدن، اشتباهی کاذب آفریدن، قدرت‌های مهیب ویرانگر در دست ناهلان نهادن، آدمی را به خدمت خود گرفتن، طبیعت را مکیدن و تفاله کردن... از عیوبی است که برای خود تکنیک بر شمرده‌اند و همه آنها را کم و بیش می‌توان به چشم دید یا به عقل استنباط کرد (سروش، ۱۳۸۸، ص ۲۹۷).

علاوه بر نقدهایی که علیه دیدگاه خودمختاری تکنولوژی مطرح شد، توجه به این

نکته نیز ضروری است که عیوبی که سروش برای تکنولوژی برمی‌شمارد، عیوب ذاتی تکنولوژی نیستند، بلکه عیوب تکنولوژی مدرن هستند. تا قبل از عصر جدید، تکنولوژی همواره حضور داشته، اما بسیاری از خصوصیات تکنولوژی مدرن را نداشته است؛ یعنی سرعت‌گرا، رقابت‌افزا، تقدس‌زدا، غفلت‌آفرین، محیط‌آلا و... نبوده است. حتی در دوره اوج تمدن اسلامی که علم و تکنولوژی در آن توسعه بسیاری یافت، تکنولوژی‌هایی با این ویژگی‌ها پدید نیامده است. از این رو، سؤال مهم این است که چرا در عصر مدرن تکنولوژی چنین عیوبی را پیدا کرده است؟ به نظر می‌رسد در دوران جدید تغییراتی اساسی در روابط و مناسبات اجتماعی ایجاد شد که از آن به ظهور سرمایه‌داری یاد می‌شود. با ظهور سرمایه‌داری است که فزون‌طلبی، رقابت‌افزایی و ... قوت می‌گیرند و تکنولوژی نیز این خصوصیات بد را از خود نشان می‌دهد.

۲-۴- کمال متفاوت تکنولوژی و انسان

سروش بعد از ذکر خصوصیات ماشین، کمال آن را تیزتر دوییدن، بیشتر بلعیدن، بی‌رحمانه‌تر مکیدن و تفاله کردن، افزون‌تر تولید کردن، بیشتر ویران کردن، حرص بی‌امان، تولید بی‌امان و ... معرفی می‌کند. به عبارت دیگر، او خصوصیات تکنولوژی را کمال آن نیز می‌داند (سروش، ۱۳۸۸، ص ۳۰۵)

از طرف دیگر وی سبقت‌جویی، جاه‌طلبی، رقابت‌پسندی، نقصان، خطاکاری، زیادت‌طلبی و سلطه‌جویی را از خصوصیات انسان برمی‌شمارد (سروش، ۱۳۸۸، ص ۳۰۳).

از آنجایی که از منظر سروش، تکنولوژی زائیده خصوصیات فطری آدمیان است، وی همان خصوصیات تکنولوژی را برای انسان هم قائل است. اما در مقابل، کمال دیگری را برای انسان تصویر می‌کند و آن قناعت است:

«ماشین هر چه آزمندتر شود کامل‌تر است؛ اما کمال انسان در قناعت است نه در

طمع و ولع» (سروش، ۱۳۸۸، ص ۳۰۷)

به نظر می‌رسد در مورد خصوصیات و کمال آدمی و تکنولوژی، دو نقد بر این

دیدگاه وارد است:

الف) با چه استدلالی می‌توان آزمندی را برای تکنولوژی و قناعت را برای انسان، کمال به حساب آورد؟ در این زمینه استدلالی در مباحث سروش مشاهده نمی‌شود. البته

قصد آن نداریم که آزمندی برای ماشین و قناعت برای انسان را به عنوان کمال آنها انکار کنیم، قصد ما این است که صدور چنین احکامی نیازمند دلیل است؛ زیرا از روی خصوصیات چیزها نمی‌توان کمالات آنها را استنتاج کرد.

ب) چگونه انسان و تکنولوژی به رغم برخورداری از خصوصیات مشترک (زیادت‌طلبی، رقابت‌پسندی و ...)، دارای کمالات متفاوتی هستند. اگر خصوصیت و کمال تکنولوژی آزمندی است، چرا انسان که همان خصوصیت آزمندی را دارد، کمالش قناعت است؟

۳- قناعت، راه‌حل مسئله تکنولوژی

سروش در نهایت با فرض قناعت به عنوان کمال آدمی، حل مسئله تکنولوژی را نیز در قناعت می‌داند:

«روش عزتمندانه روش قانعانه است. این روش البته با تکنیک که خصم ستبر قناعت است سازگار نیست. قناعت، هم قناعت در حاجات است، هم قناعت در شیوه برآوردن حاجات. و این کجا با تکنیک آشتی می‌کند که مولد حاجات نو و مبتکر شیوه‌های تازه و پیچیده و پایان ناپیدا برای رفع حاجات است؟» (سروش، ۱۳۸۸، ص ۳۱۰)

اما این توصیه اخلاقی یعنی قناعت، به عنوان راه‌حلی برای مسئله تکنولوژی در سه نکته با گفته‌های قبلی سروش در تضاد است:

الف) چگونه به انسان که از خصوصیات ذاتی فزون‌طلبی و رقابت‌جویی برخوردار است می‌توان توصیه کرد که قناعت پیشه کند؟ این بدین معناست که فقط با جنگ علیه ذات انسان می‌توان علیه تکنولوژی قیام کرد. این در حالی است که سروش معتقد است انسان نمی‌تواند طور دیگری باشد:

«انسان‌ها کم و بیش همین‌اند که در تاریخ بوده‌اند و خود را نموده‌اند. انسان‌ها اگر طور دیگری می‌توانستند باشند، می‌بودند.» (همان، ص ۳۰۲)

ب) اگر تکنولوژی خودمختار است، منطق خود را دارد، مطابق خواسته‌ها و امیال ما نیست و ما نمی‌توانیم بر آن اثری داشته باشیم، در این صورت قناعت ورزیدن ما نیز نمی‌تواند تأثیری بر تکنولوژی خودمختار داشته باشد. به عبارت دیگر، اگر تکنولوژی خودمختار است، با توصیه اخلاقی قناعت ورزیدن نمی‌توان به جنگ آن رفت.

ج) مراد سروش از قناعت ورزیدن در باب تکنولوژی، استفاده حداقلی از تکنولوژی است:

«صنعت و تکنولوژی را باید به مثابه «اکل میته» دانست و به بیش از ضرورت و حاجت از آن برنگرفت.» (همان، ص ۳۱۲)

این توصیه نیز با خصوصیت وحدت و کلیت تکنولوژی در تضاد است، زیرا مطابق نظر سروش پذیرش جزئی از تکنولوژی، مستلزم پذیرش کل آن است.

۴- سنجش پیش فرض‌های بنیادین دیدگاه سروش

اینک به بررسی پیش فرض‌های بنیادی، دلایل اصلی و نحوه استدلال سروش در باب تکنولوژی می‌پردازیم. از منظر سروش، انسان و تکنولوژی دارای چهار ویژگی (ذات‌گرایی، غیرتاریخیت، فردگرایی و غیر ساختاری بودن) است که در دو پیش فرض بنیادین (ذات‌گرایی و فردگرایی) جای می‌گیرند. به بیان دیگر دیدگاه سروش، هم در مورد انسان و هم در مورد تکنولوژی:

۱. ذات‌گرا و به تبع آن غیرتاریخی؛

۲. فردگرا و از این رو غیرساختاری است.

مراد از ذات‌گرایی در مورد انسان و تکنولوژی همان قائل شدن به خصوصیات ذاتی و فطری برای انسان و خصوصیات ماهوی برای تکنولوژی است. قصد ما در اینجا بررسی ذات‌گرایی نیست، بلکه به دو ایراد ذات‌گرایی که به بحث ما مربوط می‌شود اشاره می‌کنیم.

الف) تفکر ذات‌گرایانه قادر به تبیین واقعیات تاریخی نیست. از آنجایی که مشخصه اصلی ذاتی بودن، تغییرناپذیر بودن است، بنابر رویکرد ذات‌گرایی، تاریخ همه جا باید شکل یکسانی داشته باشد. تکنولوژی و انسان مورد نظر سروش نه تاریخ دارند و نه در شرایط واقعی اجتماعی موجودند. در مقابل، در تاریخ‌گرایی هر عنصری دارای تاریخ است و خصوصیات‌اش براساس دوره و شرایط تاریخی مشخص می‌گردد. سروش، فزون‌طلبی، رقابت‌گرایی و سرعت‌گرایی را خصوصیات ذاتی ماشین و انسان می‌داند و همان‌گونه که اشاره شد این ذات‌گرایی در تقابل با شواهد تاریخی است؛ چرا که انسان و تکنولوژی برای دوره‌ای طولانی این خصوصیات را نداشتند و تنها در عصر جدید است که واجد این خصوصیات می‌گردند. اما زمانی که این خصوصیات را

خصوصیات تاریخی انسان و تکنولوژی بدانیم، قادر خواهیم بود شواهد تاریخی را تبیین نماییم. فزون‌طلبی، رقابت‌گرایی و سرعت‌گرایی خصوصیات تکنولوژی و انسان جدید هستند و با ظهور عصر مدرن در غرب و ایجاد مناسباتی جدید، یعنی سرمایه‌داری ایجاد می‌شود. در تاریخ پیشامدرن، تکنولوژی و انسان خصوصیات دیگری داشتند و به این دلیل است که مثلاً تکنولوژی در دوران اوج تمدن اسلامی با ارزش‌های آن دوره در تضاد نبود.

ب) مشکل دوم ذات‌گرایی این است که منجر به جبرگرایی شده و از این رو در را به روی هر تحلیل بیشتر و دقیق‌تر و حتی عمل (که معیار سروش برای یک پاسخ خوب به مسئله تکنولوژی است)، می‌بندد. وقتی می‌گوییم ذات تکنولوژی و انسان دارای خصوصیات فزون‌طلبی، رقابت‌گرایی و سرعت‌افزایی است، به این معناست که اولاً این خصوصیات از آنجا که ذاتی‌اند تغییرناپذیرند و ثانیاً هیچ علت دیگری ندارند. سروش خود نیز جبرگرایی (خودمختاری) تکنولوژی را از ذات‌گرایی در مورد آن نتیجه می‌گیرد، اما برخلاف این نتیجه با قناعت به دنبال تغییر تکنولوژی خودمختار است و این نتیجه‌ای ناسازگار است؛ چرا که در مقابل تکنولوژی خودمختار و انسانی که ذاتش فزون‌طلبی و رقابت‌گرایی است هیچ کاری نمی‌توان کرد.

از دیگر سو، سروش تکنولوژی را نتیجه فطرت مشترک آدمیان می‌داند و جایی برای عوامل ساختاری (اقتصاد و فرهنگ و ...) باقی نمی‌گذارد. در مورد انسان نیز برخوردی فردگرایانه دارد، بدین معنا که آدمیان را نه موجوداتی داخل ساختار اجتماعی و مشروط در روابط و مناسبات آن، که موجوداتی منفرد می‌داند. از این رو، در بحث تمایز میان انگیزه و انگیزخته، ایشان فقط به انگیزه انسان‌های منفرد و انگیزخته آنها نگاه می‌کند و اصولاً چیزی به عنوان انگیزه و انگیزخته اجتماعی برای وی معنا ندارد. در نهایت هم توصیه‌ای اخلاقی به این انسان‌های منفرد می‌کند، در صورتی که خود انسان‌ها و انگیزه و انگیزخته آنها در درون روابط و مناسبات تاریخی - اجتماعی مشخصی قرار داشته و محدود و مشروط به آنها هستند. البته این به معنای جبرگرایی تاریخی نیست، چرا که در نهایت همین انسان‌ها هستند که روابط و ساختارها را تغییر می‌دهند، اما نه در خلاء. تغییر ساختارها توسط انسان هم در میان شرایط و ساختارهای واقعی اتفاق می‌افتد. سرعت‌گرایی، رقابت‌افزایی و فزون‌طلبی مشخصات ساختار تاریخی مشخص، یعنی

سرمایه‌داری بوده و هست که در تکنولوژی و انسان جدید تبلور یافته و با تغییر این ساختار، خصوصیات تکنولوژی و انسان جدید هم تغییر خواهد کرد.

۵- صوری‌سازی استدلال اصلی سروش و بررسی آن

۵-۱- نقد مقدمات استدلال

صورت و محتوای اصلی استدلال سروش و نقدهای وارد بر آن را می‌توان چنین صورت‌بندی کرد:

۱. تکنولوژی خودمختار است؛ چرا که ابزار نیست.

نقد صورت استدلال:

از ابزار نبودن تکنولوژی نمی‌توان خودمختاری آن را نتیجه گرفت و برای چنین نتیجه‌گیری به مقدمه دیگری (تکنولوژی یا ابزار است، یا خودمختار و حالت سوم ندارد) نیاز است که این مقدمه قابل نقد است، یعنی تکنولوژی می‌تواند نه ابزار باشد و نه خود مختار.

نقد محتوای استدلال:

خودمختاری تکنولوژی؛

الف: در تضاد با شهود عام است و آن را تبیین نمی‌کند؛

ب: تفاوت‌های تاریخی را نمی‌تواند تبیین کند؛

ج: تفاوت تکنولوژی مدرن و سنتی را نمی‌تواند تبیین کند؛

د: جبرگرا است.

۲. تکنولوژی ابزار نیست؛ زیرا دیدگاه ابزاری عیوب تکنولوژی را نمی‌تواند تبیین کند. همچنین این دیدگاه به دلیل عدم انجام عمل براساس آن عقیم است.

نقد صورت استدلال:

رویکرد ابزاری به تکنولوژی می‌تواند عیوب تکنولوژی را تبیین کند؛ چرا که آن را به نظام تمایلات جهت یافته فاعلان نسبت می‌دهد.

نقد محتوای استدلال:

الف: رویکرد ابزارگرا می‌تواند عقیم نبوده و نظریه‌ای درباب عوض شدن فاعلان داشته باشد؛

ب: با وجود درستی دلیل سروش مبنی بر تمایز انگیزه و انگیزه در حوزه فردی، یک ابزارگرا می‌تواند نه فردگرا که ساختارگرا بوده و نسبت داشتن انگیزه اجتماعی و انگیزه اجتماعی را بپذیرد؛

ج: نقد ایشان مبنی بر محصول فطرت مشترک آدمیان بودن تکنولوژی، وارد نیست چرا که خود این ادعا دارای اشکالات فراوان است؛

۳. تکنولوژی دارای عیوب ذاتی است؛ زیرا عیوب آن فاعلی نیستند.

نقد صورت استدلال:

از اینکه عیوب تکنولوژی، فاعلی (در معنای مورد نظر سروش) نیستند نمی‌توان نتیجه گرفت عیوب تکنولوژی ذاتی هستند. برای اخذ این نتیجه مقدمه دیگری هم نیاز است و آن این است که: عیوب تکنولوژی یا فاعلی هستند و یا ذاتی و حالت سومی وجود ندارد. اما این مقدمه قابل نقد است چراکه حالت سومی می‌تواند به صورت زیر وجود داشته باشد؛ عیوب تکنولوژی نه ذاتی هستند و نه فاعلی، بلکه عیوب تکنولوژی جدید، ساختاری هستند.

نقد محتوای استدلال:

نقدهای چهارگانه‌ای که برای خودمختاری تکنولوژی مطرح شدند عیناً بر این ادعا وارد هستند.

۴- تکنولوژی مدرن ادامه تکنولوژی سنتی است و هر دو دارای ماهیت یکسانی هستند؛ زیرا هر دو زائیده فطرت مشترک آدمیان هستند.

در این استدلال فرض بر تغییرناپذیری فطرت است و بر اساس تغییرناپذیری فطرت، یکسانی ماهیت تکنولوژی مدرن و سنتی استنتاج شده است. اما این تغییرناپذیری فطرت با توصیه اخلاقی سروش به قناعت برای حل مسئله تکنولوژی، در تضاد است. برای حل این تضاد، یا باید گفت قناعت هم جزء فطرت آدمی است که در این صورت باید پذیرفت فطرت آدمی می‌تواند دارای عناصر ناسازگار (فزون‌طلبی و قناعت) باشد که دفاع از این نظر آسان نیست؛ یا باید مدعی شد که می‌توان عناصری از فطرت آدمی را تغییر داد یا حداقل پس زد و کنترل کرد که این ادعا هم با تغییرناپذیری فطرت در تضاد است که یکسانی تکنولوژی سنتی و مدرن از آن نتیجه شده است. تغییرپذیری مشخصه تاریخی دانستن خصوصیات انسانی است و نه ذاتی و فطری دانستن آنها.

نقد محتوای استدلال:

الف: دیدگاه پیوستگی قادر به تبیین تفاوت خصوصیات تکنولوژی مدرن و سنتی نیست؛ تفاوت‌هایی که سروش سه مورد از آن را برمی‌شمارد.

ب: اگر تکنولوژی زائیده فطرت مشترک آدمیان باشد آنگاه باید در همه جا یکسان ظهور کند؛ چرا که فطرت همه آدمیان یکسان است؛ اما واقعیت تاریخی این را تایید نمی‌کند.

ج: این دیدگاه جبرگراست و فطرت آدمیان را عوض شدنی نمی‌داند.

۵. فزون‌طلبی، رقابت‌افزایی و سرعت‌گرایی خصوصیات تکنولوژی و کمال آن نیز هستند.

نقد محتوای استدلال:

الف: اینها خصوصیات تکنولوژی مدرن هستند، نه خصوصیات ذاتی آن؛ چون برای دوره‌ای طولانی تکنولوژی وجود داشت، اما این خصوصیات را نداشت.

ب: معلوم نیست این کمال برای تکنولوژی چگونه اثبات می‌شود. در ضمن این گزاره با گزاره‌ای که در بند ۶ ذکر می‌گردد در تضاد است.

۶. فزون‌طلبی، سرعت‌گرایی و رقابت‌افزایی از خصوصیات انسان است، اما کمال انسان قناعت است.

نقد محتوای استدلال:

الف: اینها خصوصیات انسان مدرن که در درون ساختار سرمایه‌داری قرار دارد، هستند، نه خصوصیات ذاتی انسان؛

ب: معلوم نیست کمال قناعت برای انسان چگونه اثبات می‌شود. به نظر می‌رسد این کمال به ویژه با خصوصیات انسانی که سروش ترسیم می‌کند، در تضاد است.

۵-۲- نقد نتیجه استدلال

نتیجه استدلال سروش از شش مقدمه پیش‌گفته چنین است:

۷. حل مسئله تکنولوژی یعنی رهایی از عیوب آن در گرو قناعت ورزیدن است.

نقد صورت استدلال:

یک بار دیگر به شش مقدمه بالا و نتیجه آنها، بدون نقدهای این نوشتار دقت کنید. به نظر می‌رسد با فرض درستی همه مقدمات بالا، معلوم نیست کلیت این استدلال و

نتیجه آن [رهایی از عیوب تکنولوژی توسط قناعت ورزیدن] چگونه و با کدام قواعد استنتاج از آن شش مقدمه به دست می‌آید.

نقد محتوای استدلال:

الف: قناعت ورزیدن بر تکنولوژی خودمختار بی‌تأثیر است؛

ب: انسانی که یکی از خصوصیات ذاتی‌اش فزون‌طلبی است، نمی‌تواند قناعت

بورزد.

ج: قناعت (استفاده حداقلی از تکنولوژی) ممکن نیست، چراکه تکنولوژی کلی

یکپارچه‌ای است.

در انتها به نظر می‌رسد مسئله تکنولوژی جدید، تفسیر و تبیین بهتری نسبت به آنچه

سروش ارائه کرده است می‌طلبد.

۶- درآمدی بر مسئله تکنولوژی

هر اندیشه‌ای درباره تکنولوژی با دو گزاره‌ای که به نظر باهم ناسازگارند روبروست.

این دو گزاره عبارتند از:

یکم: تکنولوژی ابزار نیست و مطابق خواسته‌های ما پیش نمی‌رود. برای مثال

تکنولوژی‌های اینترنت، ماهواره و بازی‌های کامپیوتری، صدماتی بر جوامع بشری و

ارزش‌های انسانی و دینی گذاشته‌اند. از طرف دیگر به رغم گسترش تکنولوژی که به

قصد ایجاد رفاه بیشتر برای بشریت بود، مطابق آمارها همچنان فقر بیشتر شده است.

دوم: تکنولوژی خودمختار نیست؛ چرا که خودمختاری قادر به تبیین واقعیات

تاریخی نیست.

برخی از متفکران، همچون سروش، از ابزار نبودن تکنولوژی، خودمختاری آن را

نتیجه گرفته‌اند. همان‌گونه که اشاره شد، این رویکرد با واقعیات تاریخی ناهمخوان

است. اهم این واقعیات تاریخی، تفاوت تکنولوژی جدید و سنتی و ایجاد تکنولوژی

جدید در غرب است.

از این رو، حل مسئله تکنولوژی در گرو حل تضاد این دو گزاره است؛ به گونه‌ای

که هیچ یک از گزاره‌ها را فدای دیگری نکند.

برای حل مسئله تکنولوژی باید دو گزاره پیش‌گفته را تحلیل کنیم. ابزار بودن

تکنولوژی به این معناست که هیچ ارتباط مستقیمی با/مرازشی ندارد و به عبارت

بهتر، تکنولوژی وسیله صرف است و خوب یا بد نیست، بلکه می‌توان آن را خوب یا بد به کار برد. پس ابزار بودن به معنای بی‌ارتباط بودن با امر ارزشی است. خودمختار بودن تکنولوژی به این معناست که تکنولوژی ارزش‌ها، اهداف و منطق خود را دارد و آنها را خودش تولید کرده و از جای دیگری نمی‌گیرد. پس خودمختاری تکنولوژی به معنای ارزش‌آفرین بودن تکنولوژی است.

با این تحلیل، دو گزاره فوق به دو گزاره زیر تبدیل می‌شوند؛

۱- تکنولوژی بی‌ارتباط با امر ارزشی نیست.

۲- تکنولوژی، ارزش‌آفرین نیست.

پس مسئله تکنولوژی این است:

اگر تکنولوژی با امر ارزشی بی‌ارتباط نبوده و از طرف دیگر ارزش‌آفرین نباشد، چه

نسبت دیگری با ارزش برقرار می‌کند؟

پاسخ در ارزش‌باری است. ارزش‌باری به این معناست که هرچند تکنولوژی ارزش‌آفرین نیست، اما ارزش‌ها می‌توانند بر آن حمل و در آن جاگذاری شوند و تکنولوژی ارزش‌هایی را که بر آن بارگذاری شده‌اند تجسم بخشیده و نشان می‌دهد. حال سؤال این است که: ارزش‌های چه چیزی در تکنولوژی بارگذاری می‌شوند؟ پاسخ این است که: ارزش‌های ساختار و مناسباتی که تکنولوژی در آن ایجاد می‌گردد، در تکنولوژی بارگذاری می‌شوند.

پس خلاصه بحث‌های مطرح شده را می‌توان در این گزاره خلاصه کرد:

«تکنولوژی نه بی‌ارتباط با امر ارزشیاست و نه ارزش‌آفرین، بلکه تکنولوژی

ارزش‌بار بوده و ارزش‌های ساختار و مناسباتی را که در آن ایجاد می‌شود، تجسم

می‌بخشد».

حال ببینیم با این پاسخ به مسئله تکنولوژی چگونه واقعیات تاریخی تبیین می‌شوند؟ دلیل تفاوت تکنولوژی جدید و سنتی این است که آنها ارزش‌های ساختارهای متفاوتی را در خود دارند و تجسم می‌بخشند. تکنولوژی مدرن در دامن سرمایه‌داری‌ای رشد کرد که رقابت‌گرایی، فزون‌طلبی و سرعت‌گرایی مشخصه‌های بارز آن هستند و از این رو، آن ارزش‌ها در تکنولوژی مدرن بار شده و تجسم یافتند. پاسخ این پرسش که چرا تکنولوژی مدرن در غرب ایجاد شد، نه در شرق، این است که با ظهور

سرمایه‌داری، مناسبات تولیدی آن به گونه‌ای بود که وجود چنین تکنولوژی‌ای را ضروری می‌ساخت و چون چنین مناسباتی در شرق وجود نداشت، تکنولوژی مدرن در شرق ایجاد نشد. با این تحلیل مشخص است که حل مسئله تکنولوژی جدید در گرو تغییر در ساختار و مناسباتی (سرمایه‌داری) است که آن را ایجاد کرده است و تا زمانی که ما نیز در عمل، دنباله‌رو و خواهان مناسبات سرمایه‌داری باشیم، با مشکلات تکنولوژی مدرن در شکل شدیدتر و وابسته آن روبرو خواهیم بود. سرمایه‌داری رشد تکنولوژیک خود را به هزینه مکیدن ثروت‌های جوامع جهان سومی چون ما به پیش می‌برد و هم‌زمان به دنبال تحمیل ارزش‌هایش به ما به ویژه از طریق تکنولوژی مدرن است.^۱

۷- امکان یا امتناع تکنولوژی دینی

بنابر دیدگاه سروش مبنی بر خودمختاری تکنولوژی، مفهومی به عنوان تکنولوژی دینی بی‌معنا است؛ چرا که مطابق این دیدگاه تکنولوژی دارای منطق درونی و ارزش‌های مربوط به خود است و نمی‌توان ارزش‌های دینی یا هر ارزش دیگری را بر آن تحمیل کرد. از این رو ایشان تصریح می‌کند:

تکنولوژی خوب، تکنولوژی‌ای است که نباشد. در نظر ایشان تکنولوژی دارای ذات و کمال فزون‌طلبی، سرعت‌افزایی و زیادت‌طلبی است که با ارزش‌های دینی و انسانی در تضاد است و از آنجا که این عناصر جزء ذات تکنولوژی هستند، خواست ایجاد تکنولوژی‌ای متفاوت، خواستی خام و دست‌نیافتنی است. (سروش،

۱۳۸۸، ص ۲۹۲)

حال بینیم نسبت مفهوم تکنولوژی دینی با رویکرد بدیلی که این نوشتار برای تکنولوژی مطرح کرد چگونه است؟ شاید چنین به نظر برسد، از آنجا که در این نظریه - که می‌توان آن را رویکرد ساختاری به تکنولوژی دانست - تکنولوژی دیگر خودمختار

۱. مشخص است سؤالات بسیاری در اینجا مطرحند، سؤالاتی نظیر؛ ساختار دقیقاً چیست؟ یک ساختار چگونه ارزش‌هایش را در تکنولوژی بارگذاری می‌کند؟ خصوصیات یک ساختار کدامند؟ ساختار چگونه تغییر می‌یابد؟ و... که بسیار مهم بوده و پاسخ به آنها ضروری است. اما مجال پاسخ به چنین سؤالاتی در اینجا مهیا نیست و ما امید آن داریم که به آنها در نوشته‌ای مستقل درباره تکنولوژی پاسخ گوئیم و در اینجا فقط چشم‌اندازی برای مسئله تکنولوژی مطرح شد.

نبوده و وابسته به ساختار گشته است، ایجاد تکنولوژی دینی امکان‌پذیر است. اما در واقع چنین نیست و برای گرفتن چنین نتیجه‌ای مقدمات دیگری نیاز است که این رویکرد نسبت به آنها تعیین موضع نکرده است. به عبارت دقیق‌تر برای آنکه بر اساس «رویکرد ساختاری» بتوان ادعا کرد که تکنولوژی دینی ممکن است، باید مسائل زیر مشخص شود:

اولاً، باید مشخص شود که ساختار چیست و دین چه نسبتی با ساختار دارد؟ آیا دین جزء ساختار است یا توانایی ایجاد ساختار را دارد؟ در حالی که دین جزء ساختار نبوده یا توانایی ایجاد و تغییر ساختار را نداشته باشد، مطابق این رویکرد تکنولوژی دینی امکان‌پذیر نیست. ثانیاً، در فرض اثبات وجود ساختار دینی باید بتوان نشان داد که برای ساختار دینی نیز تکنولوژی به عنوان مولفه‌ای اساسی مطرح است. برای مشخص شدن امکان یا امتناع تکنولوژی دینی بر اساس «رویکرد ساختاری» ابتدا باید پاسخی برای این دو مسئله ارائه کرد و در گام بعدی به امکان یا امتناع تکنولوژی دینی پاسخ داد.

جمع بندی و نتیجه‌گیری

۱. سروش تقریری ضعیف از دیدگاه عیوب فاعلی تکنولوژی را طرح و نقد کرده است. بنابراین امکان ارائه تقریری قوی‌تر از این دیدگاه وجود دارد که نقدهای سروش به آن وارد نباشد.
۲. سروش از نقد دیدگاه عیوب فاعلی تکنولوژی، اعتبار دیدگاه عیوب ذاتی تکنولوژی را نتیجه گرفته است که این استدلال معتبر نیست.
۳. تحلیل سروش از خصوصیات و کمال انسان و تکنولوژی دچار ناسازگاری شده است.
۴. تحلیل سروش درباره تکنولوژی بهترین تبیین ممکن نیست؛ چرا که نمی‌تواند به بسیاری از پرسش‌ها درباره تکنولوژی (برای مثال چرا تکنولوژی در غرب به وجود آمد نه در شرق؟ چرا در عصر جدید پدید آمد نه در دوره‌های پیشین و ...) پاسخ دهد.
۵. پاسخ سروش به مسئله تکنولوژی شرط خود او را درباره یک پاسخ معتبر به مسئله تکنولوژی تامین نمی‌کند.
۶. مطابق تحلیل سروش از تکنولوژی، تکنولوژی دینی امکان‌پذیر نیست.

۷. تحلیل ساختاری از مشکلات تکنولوژی جدید نسبت به تبیین سروش، تبیین مناسب‌تری است و پاسخ بهتری به پرسش‌های تاریخی درباره تکنولوژی ارائه می‌دهد.

۸. هر چند در ظاهر به نظر می‌رسد تبیین ساختاری تکنولوژی، امکانی برای تکنولوژی دینی فراهم می‌کند، اما برای اثبات این امکان باید نسبت دین و ساختار را به دقت مشخص کرد و به این پرسش پاسخ داد که آیا تکنولوژی‌ای که امروزه مورد توجه ما قرار گرفته است، آیا در ساختار دینی نیز کماکان مورد توجه است؟

منابع

- اسدی، محمدرضا (۱۳۷۷)، پرسشی در باب تکنولوژی، پایان‌نامه: دانشگاه تهران. اعتماد، شاپور (بی‌تا)، فلسفه تکنولوژی، تهران، نشر مرکز.
- بانسی، جعفر (بی‌تا)، فلسفه تکنولوژی از دیدگاه هایدگر، پایان‌نامه: دانشگاه اصفهان.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۸)، صناعت و قناعت، در کتاب: تفرج صنع، تهران: صراط.
- جیمز، ویلیام (۱۳۷۵)، پراگماتیسم، ترجمه: عبدالکریم رشیدیان، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- فصلنامه ارغنون، جلد یک، مجموعه مقالات فرهنگ و تکنولوژی
- پایا، علی (۱۳۸۶)، «ملاحظات نقادانه در باره دو مفهوم علم دینی و علم بومی»، حکمت و فلسفه، س ۳، ش ۲ و ۳ (شماره مسلسل ۱۰ و ۱۱).
- پایا، علی (۱۳۸۵)، «آینده علوم انسانی در ایران»، حوزه و دانشگاه، س ۱۲، شماره مسلسل ۴۹.
- پایا، علی (۱۳۸۴)، «دموکراسی اسلامی: امکان یا امتناع؟»، آئین، س ۱، ش ۲.
- پسی، آرنولد (۱۳۷۴)، تکنولوژی و فرهنگ، ترجمه بهرام شالگونی، تهران: نشر مرکز.
- چاپرک، علی (بی‌تا)، برساختگرایی اجتماعی در تکنولوژی، پایان‌نامه: دانشگاه صنعتی شریف.
- Robert C. Scharff and Val Dusek, eds (2003), *Philosophy of technology: the technological condition: an anthology*, Blackwell.
- Aibar, E. (1996), "The Evaluative Relevance of Social Studies of Technology." *Society for Philosophy and Technology*, No. 1-2.
- Bijker, W. (1992), "The Social Construction of Fluorescent Lighting, or How an Artifact was Invented in its Diffusion Stage." In Bijker and Law, 1992b.
- Bijker, W., and J. Law, eds (1992b), *Shaping Technology/Building Society: Studies in Sociotechnical Change*. Cambridge: MIT Press
- Bijker, W., T. Pinch, and T. Hughes, eds (1987), *The Social Construction of Technological Systems: New Directions in the Sociology and History of Technology*. Cambridge, Mass.: MIT Press

- Callon, M. (1992), "Society in the Making: The Study of Technology as a Tool for Sociological Analysis." In Bijker, Pinch, and Hughes, 1987.
- Elster, J. (1993), *Explaining Technical Change*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Feenberg, A. (1992), "Subversive Rationalization: Technology, Power, and Democracy." *Inquiry*, 35. Reprinted in Feenberg and Hannay, 1995